

در نشست «گذرگاه انقلاب؛ روایتگری رویدادهای انقلاب اسلامی» مطرح شد؛

19 بهمن نقطه عطفی در انقلاب اسلامی است

نشست «گذرگاه انقلاب؛ روایتگری رویدادهای انقلاب اسلامی» با حضور امیر سرتیپ دوم خلیان محمد کریم عابدی، راوی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار شد.



به گزارش روابط عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی استان تهران، در آستانه چهل و سومین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، نشست «گذرگاه انقلاب؛ روایتگری رویدادهای انقلاب اسلامی» با حضور امیر سرتیپ دوم خلیان محمد کریم عابدی، استاد دانشگاه، مولف و راوی تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ مونا اسکندری، مولف کتاب «اشک جمعه» و جمعی از کتابداران و علاقمندان، دوشنبه 18 بهمن، ماه به مناسبت، اداره کل، کتابخانه ها، عموم، استان تهران، در کتابخانه مرکز، پارک شهر برگزار به صورت زنده از صفحات مجازی اداره کل، بخش شد.



امیر سرتیپ عابدی در ابتدای این نشست با بیان اینکه انقلاب اسلامی ما در حقیقت عصاره و ثمره قرن ها مبارزه آشکار و پنهان است، گفت: این مبارزه از امام حسین(ع) آغاز شده و به مشروطه، قیام امیرکبیر، انقلاب اسلامی و ... می رسد.

وی با بیان اینکه انقلاب ما یک انقلاب الهی است، به نقش هوانیروز در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: درباره انقلاب مطالب و کتاب های بسیاری نوشته شده است. در آن برهه هم ارتش از ملت جدا نبود و ارتش، ارتش ملت بود. در ایام انقلاب درجه داران نیروهای هوایی بیان می کردند که «ارتش، فدای ملت» و مردم هم شعار می دادند «ملت، فدای ارتش».

این راوی انقلاب با اشاره به اینکه اقدامات هوانیروز در ایام انقلاب مغفول مانده است، یادآور شد: یکی از کارهایی که هوانیروز انجام داد و خیلی به آن پرداخته نشد، برهم زدن نقشه ربودن امام(ره) بود. در آن زمان پنج سرویس اطلاعاتی برتر دنیا تصمیم می گیرند که امام را برابند اما بچه های انقلابی بر این موضوع مسلط بودند و وقتی عراق امام را بیرون کرد، امام به نقطه ای رسیدند که فرمودند: «اگر لازم باشد من کشتی می گیرم و روی دریاها می مانم.» در آن برهه هلیکوپتر قرار بود به کیش برود و از آنجا امام را ببرد. ساواک هم این نقشه را فهمیدند و آن هلیکوپتر را منفجر کردند. بعد آن حضرت امام به فرانسه رفتند.

وی با اشاره به اینکه انقلاب برای همه توده های مردم بود و ارتشیان هم بالاترین شکنجه های سیاسی را در آن دوران تحمل کردند، گفت: خوب است بدانید که در ایام انقلاب، اولین شهر حکومت نظامی ایران اصفهان بود، چون مجهزترین سیستم نظامی را داشت. با وجود اینکه در آنجا حکومت نظامی بود اما مهم ترین بخش های نظامی اصفهان دست انقلابیون بود.



عابدی ادامه داد: همانطور که می دانید شعاری بود که می گفت: «خدا، شاه، میهن» بعد که طاغوتیان دیدند، شکست خوردند کلمه شاه را برداشتند و گفتند «خدا، ذوالفقار، میهن» و در اصفهان گفتند مردم طرفدار حضرت علی(ع) به میدان بیايند. ارتشيان اصفهان اين را فهميدند و از دروازه شميران اصفهان تا غرب شهر در دل حکومت نظامی تظاهرات کرد. جالب است که خود نظامی های حاضر در حکومت نظامی هم به مردم پیوستند و ساعت 11 صبح در مسجد سيد جمع شدند. بعد از آنکه اين جمعيت انبوه به مسجد آمد، گفتند يك نفر صحبت کند و من برای سخنرانی دعوت شدم. آن زمان من یک افسر ستوان خلبان جوان بودم و می دانستم بعد از اين سخنرانی، حکم تيرباران است.

اين راوی انقلاب گفت: بايد بدانيد در اين شرايط بختيار فرودگاه را بسته بود. من وقتی بالای منبر رفتم، گفتم «ستوان عابدی افسر انقلابی ملت ايران هستم. ما پيرو قرآن و عترت هستيم و بعد به زبان انگلیسی گفتم ما به شما يك هفته مهلت می دهيم که به آمریکا برگرديد.» اينجا به قدرت سلاح های ارتش در اصفهان گفتم «من کاپيتولاسيون را لغو می کنم و به بختيار اولتيماتوم می دهم، فرودگاه را باز کند و به امام می گويم اگر باز نکرد، فرودگاه اصفهان روی امام و انقلاب باز است» چون آن زمان فرودگاه در اختيار ما بود. عابدی ادامه داد: وقتی امام آمد، من نزد امام رفتم و آنجا داماد ايشان آقای اشراقي گفتند «می دانيد شما چه کرديد؟ با آن سخنرانی بختيار مجبور شد فرودگاه را باز کند.» به هر حال همان شب 85 نفر از دوستان ما را دستگير کردند و به خاش تبعيد کردند. اما من را نتوانستند دستگير کنند.

کسانی که عليه ارتش صحبت می کنند از ملت نيستند

اين راوی انقلاب با بيان اينکه کسانی که عليه ارتش صحبت می کنند از ملت نيستند، عنوان کرد: بسياری از نظامی ها را ساواک و سی آی ای کشت. امام در ايام انقلاب همواره می فرمود «سر تفنگ سربازان گل بزنيد.» در مهر آباد هم می بينيد که همه چيز در اختيار نيروهای ارتش است و بعد هم که در اثر ازدحام جمعيت امام تحت فشار قرار می گيرد، هليکوپتر نيروی هوایی است که امام را به بيمارستان هزار تخت خوابی می برد. اين روايت ها نشان دهنده نقش آفرینی ارتش در انقلاب است اما نفوذی ها می خواهند شهيد شيرين انقلاب اسلامی را تلخ کنند. نقش هوانيروز در استقبال از امام خمینی(ره)

وی درباره مراسم روز استقبال امام گفت: مراسم روز استقبال امام مقدماتی داشت. ما وقتی از اصفهان به تهران آمديم نخستين ديدارمان با آيت الله طالقانی بود و ايشان گفتند تحصنی در دانشگاه تهران داريم و شما به نوبه خودتان هر کاری می توانيد بکنيد. انبوهی از افسران هم در اين کار مشارکت داشتند. تا لحظه ورود امام به فرودگاه قرار بود ايشان به دانشگاه تهران بيايند و بعد از آنجا برنامه را ادامه بدهند اما ايشان تصميم گرفتند به بهشت زهرا بروند. آنجا فرودگاه قلب مردم همه ايران بود. من در آن روز در بين مشايعت کنندگان حضرت امام بودم. من و برادرم با لباس غير نظامی برنامه ها را انجام می داديم. خلبان آن هليکوپتر هم که پرواز را انجام داد، کار بزرگی کرد. وقتی حضرت امام به ايران تشریف آوردند، من روز 14 بهمن، ايشان را ديدم. امام فرمودند: قاطعانه و مقتدرانه کارها را دنبال کنيد. من ماجرای هليکوپتر را توضيح دادم و ايشان تاکيد کردند «اين وسايل مال مردم ايران است و از آن محافظت کنيد.»

امام ارتش را حافظ وحدت ملت می دانست

اين راوی انقلاب با اشاره به تعامل خوب بين امام و ارتشيان توضيح داد: امام در ايام انقلاب ارتشيان را در درون خانه خود می پذيرفتند و من به خانه ايشان می رفتم. بنا بر اين امام عنايت خاصی به ارتشيان داشت و آن ها را حافظ وحدت ملت می دانست. برخی برای اينکه انحراف در ارتش به وجود بياورند ارتش ملی را ايجاد کردند. اما اين ايده به نتيجه نرسيد. بعد گروه بی طبقه توحیدی را ايجاد کردند. بعد امام گفت ارتش يعني سلسله مراتب و نظم و گفتند اين ارتش خران است!

وی گفت: وقتی امام تشریف آوردند کسی فکر نمی کرد، کارها به اين سرعت پيش برود و طی 10 روز انقلاب شود اما با عنايت الهی و عظمت مردم و پشتيبانی آن ها انقلاب به پيروزی رسيد. روز 22 بهمن من در پارک شهر بودم. ساعت يك و نيم هليکوپتر آمد و کلی نيرو پياده کرد و در آن روز کلی سرباز و مردم توسط ساواک کشته شد و من آنجا گير افتاده بودم.

19 بهمن نقطه عطفی در انقلاب اسلامی است

عابدی خاطره ديدار امام با همافران و واقعه 17 شهريور را تشریح کرد و گفت: 17 شهريور ناگفته های زيادی دارد. بعد از انقلاب من در کميته هوانيروز بررسی کردم و ديدم در آن روز هيچ هليکوپتر ایرانی پرواز نکرد.

وی با اشاره به اينکه 19 بهمن نقطه عطفی در انقلاب اسلامی است، گفت: اين روز برنامه ريزی شده بود چون همافران در شرايط خوبی نبودند. البته مردم مراقب جوانان نيروی هوایی بودند چون بيشتر آن ها دانشجو بودند. اينجا بود که ارتش تصميم گرفت به رژيم بگويد کار شما تمام است و در تمام کشور ارتشيان تظاهرات کردند. پس رژيم و آمريکا اقتدار نظاميان را لمس کرده بود و فهميدند که ارتش پشتيبان ملت است نه آن ها. البته من آن روز با لباس شخصی بودم و در آن روز همه ما روحيه گرفتيم و اين راهپيمايی در حضور امام به ما روحيه داد. آنجا امام ثابت کرد که

فرمانده کل قوا است و از آنجا بود که حکومت نظامی تهران به سرپرستی رحیمی اعلام بی طرفی کرد و طرح های کودتا، ربودن و ... خنثی شد.

در ادامه سمانه رحیمی، دبیر محفل ادبی جوانه های کتابخانه مرکزی پارک شهر که اجرای نشست را بر عهده داشت به معرفی کتاب «اشک جمعه» پرداخت و گفت: مونا اسکندری، نویسنده این کتاب است. این اثر برگزیده بخش داستان کوتاه نوجوان چهارمین جشنواره داستان انقلاب شده است. این داستان درباره سال های مبارزه پیش از انقلاب است؛ زمانی که مردم ناچار بودند برای رسیدن به اهداف خود، از جانشان بگذرند. شخصیت اصلی قصه «اشک جمعه» دختری نوجوان به نام صدیقه است که مثل خیلی از دخترهای هم سن و سال خود درگیر مسائل روزمره و زندگی عادی است اما به طور اتفاقی وارد جریان مبارزه با طاغوت می شود.

وی افزود: کتاب «اشک جمعه» روایت اتفاقات مهم 17 شهریور سال 57 است. این کتاب به اتفاقات، راهپیمایی ها و فعالیت های مذهبی در آن دوران پرداخته و پیوند رمانتیک با واقعه و صحنه های از عاشورا و کربلا دارد به گونه ای که نشان می دهد ریشه و ذات این مبارزه ها در همان شعار معروف «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» بوده است. عنوان «اشک جمعه» بر مبنای اتفاقات مهم در جمعه خونین در هفده شهریور 57 بوده است.

رمان ها، کمتر به انقلاب اسلامی پرداختند

مونا اسکندری، مولف کتاب «اشک جمعه» نیز در ادامه این نشست درباره انگیزه خود از تالیف این کتاب گفت: زمانی که من زندگی نامه سرکار خانم دباغ را می نوشتم، ایشان در قید حیات بود. آنجا احساس کردم در جای جای وطن ما اتفاقات بزرگی رخ داده اما در بستر رمان کمتر به این موضوعات پرداختیم و تاریخ انقلاب ما مهجور مانده است. بعد از فراخوان داستان انقلاب، من تلاش کردم در بستر رمان به این واقعه تاریخی بپردازم به همین دلیل یک سری اطلاعات را درباره جمعه خونین گردآوری کردم و این رمان را نوشتم.

اسکندری در پایان گفت: سعی کردم با توجه به اینکه بیشتر در حوزه کودک و نوجوان کار می کنم، کتاب نثر روان و آسانی داشته باشد.

گفتنی است، نشست «روایتگری انقلاب اسلامی» روز دوشنبه 18 بهمن ساعت 10 صبح در سالن جلسات کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار و به صورت زنده از طریق پلتفرم اسکای روم به نشانی <https://www.skyroom.online/ch/nahaad/mahafel> و پایگاه اطلاع رسانی نهاد iranpl.ir، صفحه اینستاگرام نهاد iranlibraries و صفحه آپارات نهاد www.aparat.com/iranpl پخش شد.

